

معرفی کتاب «از معرفت دینی تا حکومت دینی» نوشته استاد علی صفایی حائری

سجاد آقایی (طلبه سطح یک)

اشاره

کتاب «از معرفت دینی تا حکومت دینی» نوشته علی صفایی حائری، معروف به عین. صاد، کتابی در موضوع جامعه دینی و حکومت اسلامی است. علی صفایی حائری، نویسنده، اندیشمند، شاعر و مجتهدی است که در سال 1330 در یک خانواده مذهبی در قم، چشم به جهان گشود و در سال 1378 درگذشت. این کتاب که توسط انتشارات لیلة القدر، در سال 1386 با تیراژ 3000 جلد به چاپ دوم رسید، در پاسخ به شبهات مختلفی که در حوزه حکومت دینی و دایره شمول احکام دینی مطرح بوده، به رشته تحریر درآمده است. «از معرفت دینی تا حکومت دینی» در 258 صفحه به چاپ رسیده و با قیمت 1800 تومان قابل خریداری است.

استاد صفایی حائری، کتاب خود را در دو بخش کلی و نه فصل، تبویب نموده است. بخش اول با عنوان «از معرفت دینی تا جامعه دینی»، سه فصل «از خودآگاهی تا عبودیت»، «عبودیت و شکل‌گیری جامعه دینی» و «جامعه دینی» را در خود جای داده و بخش دوم با عنوان «از جامعه دینی تا حکومت دینی» نیز شش فصل با نام‌های «شبهات»، «دین و حکومت»، «حکومت در ادیان وحیانی»، «طرح کلی دین و نظام‌سازی»، «حکومت دینی در حوزه مسلمین» و «شبهات حکومت دینی و پاسخ‌ها» را دربردارد. او در ابتدای کتابش به بحث نیاز انسان فردنیایی به قانون‌گذاری غیر از خود اشاره می‌کند و می‌گوید اگر انسان، محدود در همین زندگی بود، قراردادهای این‌دنیایی و اعتباری برای زندگی‌اش کافی بود و مذهب، هیچ ضرورتی برای او نداشت؛ اما وقتی می‌دانیم انسان یک موجود فراتر از این دنیاست، پس او نیازمند وحی و عهد است.

عین. صاد انسان را نیازمند معرفت دینی ناشی از وحی و عهد ناشی از عبودیت می‌داند و معتقد است این معرفت جریان‌ساز، نظام‌ساز، تشکلی‌خواه و سازمانی، بدون این دو عنصر، رو به اضمحلال و استبداد می‌رود؛ از این رو با اشاره به روایتی معتقد است حاکم جامعه اسلامی نیز بر فرض عالم و عادل و فقیه بودن، اگر به درجه عبودیت نرسیده باشد، غاصب است؛ چرا که هنوز از تعلق‌ها آزاد نگشته است: «با این توجه، حاکم جامعه اسلامی، بر فرض عالم و فقیه و صالح و سالم هم باشد، مادام که به عبودیت نرسیده باشد و تمامی وجودش را از تعلق‌ها آزاد نساخته باشد، غایب است، مگر آنکه به رسول a و امام معصوم b دعوت داشته باشد...» (ص 16) او معتقد است ایمان و هدف مشترک، در جبهه اسلام باشد یا در جانب کفر ولایت، وحدت و قدرت می‌آورد. وی همچنین اعتقاد دارد که اهداف کافران، چون در بند قیود و محدودیت‌هاست، به تعارض و درگیری می‌رسد؛ اما ایمان و عشق به خدا به خاطر وسعت و جبران و غفران و محبت خدا، تعارض‌ها و تراحم را برطرف می‌گرداند.

صفایی در فصل دوم از بخش اول، به رابطه میان ایمان، نصرت، هجرت، جهاد و ولایت می‌پردازد. او می‌گوید روی آوردن به نصرت و ولایت، فتنه و فساد را برطرف ساخته و مصالح کلی و عمومی جهان را تأمین می‌نماید: «آنچه در برابر کفر و فتنه و فساد آن، نیرومند می‌ایستد، ایمانی است که به قدرت تبدیل شده و به محبت و ولایت و به سرپرستی و ولایت گره خورده است؛ مادام که ایمان به ولایت مبدل نشود، نیروی جلوگیری و مصلح نخواهد بود.» (ص 40)؛ عین. صاد درباره اندازه نصرت الهی می‌گوید مقدار نصرت و ولایت به مقدار قابلیت و شکر طرف و سلوک او بوده و به هم‌میزان که از ولایت، هدف، ایمان و جهاد فاصله بگیرد، از نصرت محروم می‌شود و اگر به کفر روی بیاورد، درگیری با او آغاز می‌شود.

فصل سوم این کتاب از عزت، عدل و احسان به عنوان مؤلفه‌های اساسی جامعه دینی یاد می‌کند و به تبیین آن‌ها می‌پردازد. او عزت را به عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های جامعه دینی و ولایی و بهره‌مند از نصرت برمی‌شمرد و می‌گوید به همان دلیل که تمام عزت برای خداست و این بیان امام حسین A در عرفه که «یا من علی فی عِزِّه فأولیائه بعِزِّه یعتزّون»، مؤمنان به حکم حکمت الهی، زبون و خوار نیستند. وی در ادامه همین مطلب، به شبهه‌ای در مورد اقتدار و تسلط دشمنان خدا در طول تاریخ و سختی‌های بسیار در زندگی یاران خدا اشاره کرده و آن را با طرح مبحث تسلط عزت بر قدرت و علو پاسخ می‌دهد. او در همین فصل، به اصل عدل و احسان پرداخته؛ اما معتقد است که همه اصول به میزان عبودیت سر بر می‌افرازند.

در بخش دوم این کتاب با عنوان «از جامعه دینی تا حکومت دینی»، صفایی حائری ابتدا با بیان یک مقدمه به استقبال بیان شبهات و پاسخ آن‌ها می‌رود. او در این مقدمه، تمام دگراندیشان را به یک چوب رانده و آن‌ها را به قرار گرفتن تحت یک برنامه هماهنگ فرهنگی غیردینی یا ضد دینی متهم می‌کند. علی صفایی در فصل اول این بخش، شبهات را فهرست کرده و در فصل دوم با عنوان «دین و حکومت»، به بررسی مفهوم‌شناسانه دین، حکومت و حکومت دینی می‌پردازد و با تحلیلی کوتاه، مخاطب را آماده بررسی مصداقی در مورد صبغه حکومتی ادیان و جوامع مختلف می‌نماید. فصل سوم از این کتاب، به بررسی مصداقی ادیان وحیانی یهودیت، مسیحیت و اسلام و مباحث رسالت، شئون، دایره اختیارات و امکانات رسول اختصاص دارد.

عین. صاد در فصل چهارم، با بررسی دو نگاه حداقلی و حداکثری به دین، خاصیت نظام‌سازی و تشکلی‌سازی دین را مورد اشاره قرار می‌دهد. «حکومت‌های دینی در حوزه مسلمین»، عنوان پنجمین فصل بخش دوم از این کتاب است. عین. صاد در این فصل، از حکومت نبوی شروع کرده، به بررسی جریان سقیفه، حکومت خلفا و سلسله‌های مختلف؛ از جمله عباسی و اموی پرداخته و این بررسی را تا مشروطه، عصر حاضر و حکومت مطلقه ولایت فقیه ادامه می‌دهد. وی در ادامه، مبحث «مشروعیت و مقبولیت» را که یکی از اساسی‌ترین

مجاری نزاع‌های فقه سیاسی است، تبیین نموده و به بیان دیدگاه‌های شیعیان و اهل سنت، در مورد این مسئله می‌پردازد. عین. صاد در فصل ششم و پایانی کتاب خود، شبهات حکومت دینی را مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ می‌دهد؛ انسانی نبودن، دنیایی نبودن، استبدادی بودن، آفت‌پذیر بودن و محدود بودن حکومت دینی، شبهاتی است که صفایی در مقام پاسخ‌گویی به آن‌ها برمی‌آید. صفایی در پایان، شبهات مطروحه در این کتاب را چکیده‌ای از شبهات چپ‌گراها، روشنفکران، حلقه‌ها و نشریات می‌داند. عین. صاد در این کتاب هرچند از یک روش منطقی و نظم ستودنی بهره برده است، اما نوشتار او مانند برخی کتاب‌های دیگر وی همه‌فهم نیست و نیازمند اندک آمادگی ذهنی پیشین است. دیگر نکته مهم آن است که علی‌رغم شیوه علمی و تبویب بنیادی مباحث که از ریشه‌ای‌ترین ابعاد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، او گاه از جاده بحث علمی بیرون رفته و با عناوینی آن را تبدیل به مباحث جدلی می‌کند؛ مثل آنجایی که در صفحه 89 کتاب، دگراندیشان را از هر صنف و گروهی که باشند، در یک نقطه تلاقی می‌دهد و آن‌ها را با افراد ضدّ دین در یک گروه می‌گنجانند.